

تغییر فرهنگ سیاسی شبه‌مدرن و تحولات خاورمیانه عربی؛ مخاطرات پیش‌رو: مطالعه موردی مصر

سید عبدالامیر نبوی^۱ - مریم رحیمی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۴)

چکیده

خاورمیانه عربی طی چند سال اخیر با تحولاتی روبرو شده که معادلات منطقه‌ای را دستخوش دگرگونی کرده است. در این میان تحولات مصر پرسش‌هایی را درباره دگرگونی فرهنگ سیاسی، عوامل موثر بر آن و توان اثرگذاری این دگرگونی بر تحولات سیاسی آن کشور مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد پیامدهای گسترش شبکه‌های مجازی اطلاعاتی - ارتباطی در مصر، زمینه‌ی گذار از فرهنگ سیاسی شبه‌مدرن در این کشور را فراهم کرده و انقلاب ۲۵ ژانویه، مهمترین تجلی چنین تحولی است. در واقع، گسترش شبکه اطلاعات چندسویه برابر با افزایش آگاهی فرد از جهان پیرامون است و این امر سبب مقایسه، رقابت و بالا رفتن سطح انتظارات فرد می‌شود، انتظاراتی که در صورت عدم تحقق، شهروند را بر آن می‌دارد که با شیوه‌های مختلف بدان دست یابد. مقاله حاضر می‌کوشد ضمن توجه به ساختار جمعیتی و فرهنگی مصر، تأثیر استفاده از فناوری ارتباطی را مدنظر قرار داده تا مشخص شود که استفاده از آن چگونه می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در تغییر فرهنگ سیاسی باشد. بررسی و تحلیل ثانویه داده‌های جمع‌آوری شده در تحقیقات میدانی مرکز الاهرام (۲۰۱۱) نشانگر پایداری برخی عناصر فرهنگی در دوره پس از ریاست جمهوری مبارک است که تثبیت دموکراسی در این کشور را با چالش‌هایی روبرو می‌کند.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، جوانان، انقلاب ۲۵ ژانویه، اقتدارگرایی، بهار عربی

۱. استادیار علوم سیاسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (نویسنده مسئول)

nabavi@iscs.ac.ir
m.rahimi11081@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

مقدمه

عرب‌ها بیش از یک نسل است که در راه کسب حقوق خود به‌عنوان یک شهروند مبارزه کرده‌اند، اما تعصبات فرهنگی و سیاسی مانع از آن شده است که به این هدف دست یابند (Filiu, 2012: 85). در پرتو تحولات چهارساله اخیر، می‌توان گفت وضعیت استثنائی در کشورهای عربی با سقوط بن علی (تونس)، قذافی (لیبی)، صالح (یمن) و مبارک (مصر) به مرحله نهایی خود نزدیک شده است و این روند گاهی آهسته و گاه سریع، می‌رود که سایر رژیم‌های اقتدارگرای^۱ منطقه عربی را دستخوش تغییر قرار دهد. در هر حال تحولات منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر به خبر نخست در جهان تبدیل شده، اما این بار در کنار جنگ و ستیز، مسئله آزادی خواهی و دموکراسی خواهی هم قرار دارد و آن‌هم به شکل انقلابی که بخشی از جهان عرب را فراگرفته است. به نظر می‌رسد تغییرات تدریجی در پایه‌های اساسی فرهنگ سیاسی اعراب زمینه‌ساز رویدادهایی شده است که بر ابعاد و پیچیدگی‌های آن هر روز افزوده می‌شود.

تحولات رخ داده طی سال‌های (۲۰۱۵-۲۰۱۰) در خاورمیانه تاکنون از جنبه‌های گوناگون بررسی شده؛ ولی به نظر می‌رسد آنچه کمتر به آن توجه شده متغیرهای مطرحی همچون: وضعیت نامناسب اقتصادی؛ فساد طبقه حاکم؛ دیکتاتوری و روندهای جهانی دموکراسی؛ تغییر فرهنگ سیاسی مردم جهان عرب است. فرهنگ سیاسی مجموعه‌ی نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به فرآیندها و زندگی سیاسی شکل می‌بخشد یا به تعبیر دقیق‌تر: «مجموعه‌ای از ایثارها، باورها، احساسات و ارزش‌های یک ملت درباره سیاست و نظام سیاسی در یک‌زمان معین است» (Almond, 1956: 396). لذا دگرگونی آن به معنی تغییر نگرش جامعه نسبت به نظام سیاسی خود و اجزای آن است که می‌تواند پیامدهایی از جمله شورش، اعتراض و اعتصاب را در پی داشته باشد و حتی به وضع قوانین تازه منجر شود. بنابراین مجموعه تحولات به وقوع پیوسته در سطح جوامع عرب خاورمیانه نشانی از وقوع تغییرات در فرهنگ سیاسی شهروندان است. به همین جهت این مقاله در نظر دارد مصر را به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی تحولات که از گذشته مرکز ثقل اندیشه‌های ملی‌گرایی عربی و همچنین دارای اهمیت ژئوپلیتیک و تأثیرگذار در حوزه آفریقا و دنیای عرب بوده است، مورد بررسی قرار دهد.

با توجه به نقش و تأثیر فرهنگ سیاسی به‌عنوان متغیری مهم و تعیین‌کننده برای تحلیل و بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی کشورها، دغدغه نوشته حاضر، آن است که:

۱) دگرگونی حوزه رسانه‌ها و ارتباطات چه اثری بر فرهنگ سیاسی در خاورمیانه

عربی گذارده؟ (مطالعه موردی مصر)

۲) روند تغییر فرهنگ سیاسی در مصر، به نوبه خود چه تأثیری در وقوع انقلاب ۲۵ ژانویه و تحولات آن در پی داشته است؟

برای دست یافتن به پاسخ، در مرحله نخست:

- ۱- به بررسی اندیشه‌ی نظریه‌پردازان این حوزه در مورد ساختارهای بنیادی همچون اقتصاد، سیاست و جمعیت قبل از انقلاب ۲۵ ژانویه پرداخته است.
- ۲- عوامل داخلی و خارجی مؤثر در تغییر فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.
- ۳- نتایج سه تحقیق میدانی توسط مرکز الاهرام (ماه‌های آگوست و اکتبر سال ۲۰۱۱) توجه شده که چهار بُعد ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی مصریان: مشارکت سیاسی؛ رقابت سیاسی؛ حمایت سیاسی و سرمایه‌ی اجتماعی بررسی شده است.

این مقاله، گویای آن است که انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و سرنگونی حسنی مبارک نتیجه تغییراتی هرچند نسبی - تدریجی در فرهنگ سیاسی شبه‌مدرن جامعه‌ی مصر است که به نوبه خود به جهت دگرگونی حوزه رسانه‌ها و وقوع انقلاب اطلاعاتی که در جهان رخ داده، موثر بوده همچنین هنجارها و ارزش‌های سیاسی مردم مصر بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه نشانگر پایداری برخی عناصر فرهنگی پیشین در دوره‌ی پس از حسنی مبارک است که مخاطراتی را برای تحقق و تثبیت دموکراسی در مصر پدید می‌آورد.

نوشته حاضر، توصیفی - تحلیلی است و تحلیل به شیوه کیفی صورت می‌گیرد. لازم است بدین نکته توجه شود که تاکنون بجز چند گزارش به زبان انگلیسی، پژوهش مستقلی درباره‌ی فرهنگ سیاسی مصریان و تغییرات آن صورت نگرفته است و بیشتر محققان، با عنایت به مؤلفه‌هایی چون تغییرات نسلی، تحول فرهنگ سیاسی در آن کشور را فرض گرفته‌اند.

چارچوب مفهومی

ویژگی‌های فرهنگ سیاسی

ویژگی‌های فرهنگ سیاسی، به نقل از آلموند و وربا، عبارت است از:

الف) جهت‌گیری ذهنی؛ فرهنگ سیاسی می‌تواند به‌عنوان جهت‌گیری ذهنی یک جامعه در دوره زمانی معین نسبت به سیاست و نظام سیاسی تعریف شود. عواملی چون جغرافیا؛ اقتصاد و تجربیات تاریخی در فرآیند جامعه‌پذیری بر شیوه بینش و تفکر شهروندان اثر گذاشته و فرهنگ سیاسی خاص آن جامعه را شکل می‌دهد ولی در تحلیل، بایستی به جهش‌ها و چرخش‌های

اجتماعی و فرهنگی تدریجی نیز توجه کرد و زمان معین را در نظر گرفت تا مجموعه تاریخ فرهنگ سیاسی یک جامعه بر اساس بررسی مقطعی داوری نشود.

ب) پیوند ذاتی با جامعه‌پذیری سیاسی؛ هر یک از جهت‌گیری‌های سیاسی نتیجه یک شناخت، احساس یا ارزیابی درباره موضوع‌های سیاسی و روابط میان آنهاست که در فرآیند جامعه‌پذیری، درونی‌سازی شده‌اند. کار اصلی جامعه‌پذیری، درونی‌سازی ابعاد گوناگون جهت‌گیری‌های سیاسی است که برحسب موضوعات متفاوت است. درواقع، الگوها و نگرش‌هایی که در طول زمان شکل گرفته‌اند، تأثیراتی تحمیلی بر رفتار سیاسی آینده دارند.

پ) تعامل پیوسته با ساختار سیاسی؛ رابطه میان فرهنگ و ساختار یک‌سویه نیست، بلکه به شکل متقابل و پیوسته بر هم اثر می‌گذارند؛ لذا در یک مقطع، فرهنگ به‌عنوان متغیر مستقل، بر ساختار سیاسی و اقتصادی تأثیر گذاشته و به شکل جدیدی نمایان می‌شود و هم‌زمان ساختار در تقویت و شکل دادن به فرهنگ سیاسی در صورت جدید خود اثر می‌گذارد.

ج) سه بعدی بودن جهت‌گیری‌های سیاسی:

۱- جهت‌گیری شناختی؛ شناخت و باور در ویژه نظام سیاسی است که نقش‌های آن و موقعیت‌های این نقش‌ها (درون‌دادها و برون‌دادهای نظام سیاسی)؛

۲- جهت‌گیری عاطفی یا احساسات درباره نظام سیاسی، نقش‌های آن و عاملان اجرایی؛

۳- جهت‌گیری سنجشی و یا ارزش‌گذار؛ که به قضاوت و نظرها درباره موضوعات سیاسی‌ای که نوعاً به ترکیب معیارهای ارزش‌مدار احساسات مربوط می‌شوند (جدول شماره ۱).

د) چندمرتب‌بودن فرهنگ سیاسی: براساس تقسیم‌بندی آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی سه نوع است: ۱- بسته ۲- تبعی ۳- مشارکتی.

فرهنگ سیاسی بسته از عنصر شخصیتی- شناختی نشأت می‌گیرد و فرهنگ سیاسی تبعی از عنصر عاطفی و فرهنگ سیاسی مشارکتی از عنصر سنجشی سرچشمه می‌گیرد، ولی به ذات ترکیبی از انواع یادشده هستند. مثلاً: محدود- تبعی یا تبعی- مشارکتی، تحقق می‌یابد. آنان با ذکر دلایلی، یک‌گونه ترکیبی را تحت عنوان فرهنگ مدنی، مطلوب‌ترین شکل فرهنگ سیاسی

معرفی می‌کنند (Almond and Verba, 1963: 256).

جدول شماره ۱- جهت‌گیری‌های سیاسی و ابعاد فرهنگ آن

موضوع‌های جهت‌گیری سیاسی			
کلیت نظام سیاسی	نظام درون‌داد	نظام برون‌داد	جایگاه فرد، مشارکت و مطالبات
جهت‌گیری‌های سه‌گانه	۱. شناختی:	- نظام باورها - نقشه‌ی شناختی - مجموعه نمادها - ارزیابی شناختی جهت‌گیری شناختی و باورها درباره موضوع‌های چهارگانه فوق	
	۲. عاطفی:	احساسات مبتنی بر: - علاقه - نفرت - بی‌تفاوتی جهت‌گیری احساسی درباره موضوع‌های چهارگانه فوق	
	۳. سنجشی:	انواع قضاوت‌های اخلاقی: جهت‌گیری سنجشی با ترکیبی از معیارهای ارزشی، درباره موضوع‌های چهارگانه فوق.	

تغییرپذیری فرهنگ سیاسی

شخصیت انسان‌ها از باورها، نمادها و ارزش‌ها که همگی از عناصر فرهنگی هستند، شکل می‌گیرند. بنابراین فرهنگ با سطح فرد؛ شخصیت و سطح اجتماعی ارتباط دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و توسط اشخاص از طریق فراگیری و جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. هر نظام سیاسی برای حفظ و استمرار حاکمیت خود نیازمند فرهنگ سیاسی خاصی است؛ زیرا هماهنگی میان فرهنگ و نظام سیاسی در سطح سنتی و مدرن موجب ثبات سیاسی می‌شود. هر نظام سیاسی یک قلمرو ذهنی سازمان‌یافته در سیاست دارد که محصول فرآیند جمعی تاریخ زندگی یک ملت است و زمینه‌های هدایت نظام سیاسی را فراهم می‌نماید و به آن ساخت و معنا می‌دهد که در نهایت فرد به تدریج آن را درونی می‌کند (معمار، ۱۳۹۱: ۴).

مسئله تغییرپذیری فرهنگ سیاسی در نظریات مورد توجه واقع شده و در اغلب آنها مباحثی

درباره‌ی عوامل و چگونگی ایجاد و انواع آن ذکر شده؛ برخی تغییر را پاشنه‌ی آشیل فرهنگ سیاسی و برخی دیگر جزء ذاتی آن دانسته‌اند. به‌عنوان مثال دیدگاه «هری اکشتاین» در این باره جالب توجه است: «اگر تغییر در الگوها و زمینه‌های فرهنگی مطلقاً جایی ندارد، نظریه‌ی فرهنگ سیاسی را باید سریعاً به‌عنوان مسئله‌ای آشکارا بی‌مفهوم به کنار نهاد» (قیصری، ۱۳۸۸: ۹۶). دیدگاه‌های نظری درباره‌ی تغییر‌پذیری فرهنگ سیاسی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ نخست، نظریاتی که تغییر را امری طبیعی و محصول وضعیت ساختاری و محیط فیزیکی و اجتماعی فرد می‌دانند مانند: نظریات رهیافت فرهنگی، یادگیری اجتماعی و شناخت معرفت‌شناسانه؛ دوم، نظریاتی که تغییر را نتیجه‌ی تلاش‌های عمومی برای دگرگون ساختن ساختارها و رفتار سیاسی می‌دانند، لذا آن را امری مصنوعی و عمدی قلمداد کرده‌اند همانند نظریات رهیافت تفسیری.

تئوری دگرگونی ارزشی اینگل هارت

یکی از نگرش‌های مهمی که در این زمینه مطرح شده و با این مقاله در ارتباط است، تئوری «دگرگونی ارزشی» اینگل هارت است. از نظر وی دگرگونی فرهنگی امری تدریجی و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. در واقع، هر فرهنگ رهیافت مردم را در تطابق با محیط نشان می‌دهد و این رهیافت‌ها در بلندمدت به دگرگونی‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و سیال پاسخ می‌دهند؛ از سوی دیگر، فرهنگ‌ها به نوبه‌ی خود نیز به محیط شکل می‌دهند (اینگل هارت، ۱۳۷۳: مقدمه). مطالعات گسترده‌ی وی نشان می‌دهد که دگرگونی ارزش‌های فرهنگی میان نسل جدید حاکی از تحولی فرهنگی است که نسبت به نسل قدیم رخ داده است و در این تحول کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی برجستگی بیشتری در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و سیاسی گذشته دارد.

کپل با توجه به چنین تغییراتی است که می‌گوید: «امروزه آرزوی جوامع مدنی در کشورهای خاورمیانه تحقق ساختار دموکراتیک است. ما در عصر تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت زندگی می‌کنیم و به دلیل ارتقای کلی سطح معلومات، اکثریت خواهان ورود به عرصه سیاسی هستند. ما این را به خوبی از طریق موفقیت چشمگیر برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای که از قطر ... پخش می‌شود شاهد هستیم» (کپل، ۱۳۷۹: ۱۵۳).

حال پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که: تغییرات فرهنگ سیاسی در خاورمیانه‌ی عربی با تحقق یافتن و تثبیت شدن دموکراسی در منطقه چه ارتباطی دارد؟ به عبارت دیگر، آیا تغییرات فرهنگ سیاسی ضامنی برای تثبیت گذار دموکراتیک و مانع بازگشت اقتدارگرایی

می‌شود؟

در پاسخ به این پرسش اساسی، دو رویکرد وجود دارد: برخی بر تلقین ارزش‌های دموکراتیک از طریق فرآیند جامعه‌پذیری تأکید می‌کنند، و بعضی دیگر، نبود چالش‌های مهم بر سر مشروعیت نهادهای دموکراتیک به ویژه انتخابات منظم و رقابتی را مهم می‌دانند (Guillermo O'Donnell, 1992 : 48-9).

رویکرد نخست، وجود «دموکرات‌ها» را تضمین‌کننده تحکیم «دموکراسی» می‌بیند و خواهان شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک است. رویکرد دوم بر انتخابات منظم و نهادینه شدن آن تأکید می‌ورزد. مشکل اینجاست که رویکرد نخست، فاقد مصداقی در جهان عینی و ناسازگار با واقعیت‌های تاریخی است؛ چرا که «هیچ مورد شناخته شده‌ای نیست که اکثریتی از دموکرات‌ها پیش از ظهور دموکراسی سیاسی وجود داشته‌اند» (Guillermo O'Donnell, 1992 : 19-20).

رویکرد دوم نیز به دلیل تأکید صرف بر انتخابات، قادر به تفکیک کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک نیست و نمی‌تواند فاصله‌ای میان کشورهای دموکراتیک و شبه‌اقتدارگرا قائل شود.

با توجه به کاستی‌هایی از این دست، برخی تحلیلگران به جای تمرکز بر سطح دولت و جامعه یا لزوم وجود دموکراسی بین دولت و جامعه، بحث را به گونه دیگری سازمان می‌دهند. به عنوان نمونه، کرانی با بررسی تجربه مصر از اهمیت وجود دموکراسی در روابط دولت و جامعه سخن می‌گوید. به نظر وی، مطالعه درباره دموکراتیزاسیون عبارت است از: «مطالعه درباره روابط دولت؛ جامعه و دیالکتیک‌های آنهاست» (Korany, 1998: 39).

مصر

جمعیت و سیاست

مصر کشوری است با بیش از ۸۴ میلیون نفر جمعیت که حدود نیمی از آنان شهرنشین هستند. بیشتر آنان در دو شهر بزرگ قاهره و اسکندریه و دیگر شهرهای دلتای رود نیل و حومه‌ی آنها زندگی می‌کنند و بیش از ۱۲ درصد نیروی کار در بخش گردشگری و شهرهای تفریحی ساحل دریای سرخ فعالیت دارند. همچنین بر اساس آمار یونسف ۸۸ درصد از جمعیت سنین (۲۴-۱۴) مرد هستند که در حال تحصیل^۱ می‌باشند و این آمار در میان زنان ۸۲ درصد است.

1 . <http://www.unicef.org/>

از منظر سیاسی، مصر در سال ۱۹۵۲ با کودتای بدون خونریزی افسران جوان ارتش علیه پادشاه آن کشور - ملک فاروق - دارای حکومت جمهوری شد. با مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰، معاونش محمد انور سادات به قدرت رسید و به دنبال ترور وی در سال ۱۹۸۱، معاونش حسنی مبارک به ریاست جمهوری رسید. انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر به حکومت سی‌ساله مبارک در این کشور پایان داد و قانون اساسی جدیدی در این کشور تدوین شد (Gasiorowski, 2013: 371). پس از استعفای وی قدرت در اختیار شورای عالی نظامی مصر به رهبری فرمانده ارتش محمدحسین طنطاوی بود و دولت منتخب این شورا اداره کشور را برعهده داشت؛ در جریان انتخابات ریاست جمهوری مصر در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۲ محمد مرسی به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. او پنجمین و اولین رئیس‌جمهور مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه بود که البته در شبانگاه سوم جولای ۲۰۱۳ در جریان انقلاب دوم (جنبش تهر) به‌وسیله ارتش از کار برکنار شده و رئیس دادگاه قانون اساسی مصر - عدلی منصور - به‌عنوان رئیس‌جمهور دولت انتقالی برای برگزاری انتخابات زودهنگام تعیین شد. منصور بلافاصله حازم/بیلایوی را به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت برای تشکیل کابینه معرفی کرد تا زمینه‌های برگزاری انتخابات را فراهم نماید، سپس عبدالفتاح السیسی ضمن استعفا از سمت وزارت دفاع مصر در انتخابات ریاست جمهوری این کشور نامزد شد. وی در سخنانی خطاب به ملت مصر گفت: «من همواره سربازی در خدمت کشور بوده‌ام و این روند را ادامه خواهم داد و در آوردن این یونیفرم از تن نیز برای دفاع از کشور است». السیسی در نهایت با کسب ۹۶/۹ درصد آراء به طور رسمی پیروز انتخابات ریاست جمهوری این کشور شد و به‌عنوان ششمین و دومین رئیس‌جمهور پس از سقوط مبارک سوگند یاد کرد.

مصر؛ طبقه متوسط جدید

آمارهای موجود در ویژه بافت اجتماعی جهان عرب نشان می‌دهد که طبقه متوسط جدید، به شکل مطلق و نسبی، از سریع‌ترین رشد در بین طبقات دیگر برخوردار است. در مصر نیز به‌عنوان یکی از کشورهای مهم جهان عرب، با گسترش مشکلات اقتصادی و فشار سازمان‌های بین‌المللی، سادات و مبارک مجبور شدند که با اتخاذ سیاست‌های نولیبرال اقتصادی اصلاحات اساسی را آغاز نمایند (رک: حافظیان، ۱۳۸۸) اما انجام این سیاست‌ها نیاز به گسترش متخصصانی داشت که دانشگاه آن‌ها را پرورش می‌دادند که خود سبب پدید آمدن یک طبقه متوسط تحصیل کرده به نسبت وسیع شد. انجام این اقدامات زمینه‌ساز افزایش حجم دولت و رسانه‌های نوین ارتباطی در درون کشور گردید و همچنین مصر را به‌سرعت شهری کرد و ساختارهای آن را به شکل خزنه وارد جوامع روستایی کرد (Egypt Country Assessment, 31 Oct. 2012).

اگر شهر را کانون تحولات و تغییر طلبی در درون کشور قلمداد نماییم؛ طبقه متوسط، کانون مخالفت در درون شهر است. تفاوت طبقه متوسط مصر با جوامع غربی در این نکته است که تنها از شأن فرهنگی برخوردارند. به همین دلیل در ذهن این طبقه، دو شکاف عمده به وجود می‌آید: ۱- شکاف میان اصول تجددگرایی؛ برابری؛ عدالت؛ آزادی؛ دموکراسی؛ رفاه اقتصادی و تحقق آنها در جامعه ۲- شکاف میان وضعیت جوامع پیشرفته‌ی جهان و وضعیت رایج در جامعه که در میان هدف عدالت و آزادی می‌شود تا از طریق آن بر مشکلات سیاسی و اقتصادی خود فائق آیند و برای رسیدن به این هدف، مهم‌ترین کانال‌های مبارزاتی، رسانه‌های ارتباط جمعی می‌شود که سهم اساسی در یادگیری و نشر اخبار و مدیریت جنبش ایفا می‌نماید (Egypt Country Assessment, 31 Oct. 2012).

بررسی‌ها بیانگر آن است که سیاست‌های نولیبرالی در مصر نه تنها به گسترش دموکراسی ختم نشد، بلکه رشد اقتصادی زمینه‌ساز نزول رشد طبقاتی شد، طبقه‌ای که از آزادی برخوردار نبود و همچنین به دلیل فساد و تبعیض در سیستم حاکم هر روز شاهد افزایش شکاف طبقاتی بود (مقدس و اکوانی، ۱۳۹۱؛ حافظیان، ۱۳۸۸). گرچه این طبقه از نظر اجتماعی و فرهنگی، احساسات و انتظارات طبقه متوسط مرفه را دارد و از لحاظ منزلت اجتماعی، منش و نمودار در جایگاه طبقه متوسط قرار می‌گیرد و همچنین دارای رفتار و فرهنگ مدنی؛ تحصیلات دانشگاهی؛ آشنایی با تکنولوژی جدید و رسانه‌های مدرن است و مطلع از اخبار دنیاست ولی فقر اقتصادی و بیکاری^۱ آن طبقه را مجبور می‌نماید که مانند فقرا زندگی کنند (Country Strategy Paper, 2007-2011).

از سوی دیگر، آشنایی این طبقه با وسایل ارتباط جمعی چندسویه مانند: اینترنت، فیس‌بوک و ... و اطلاع از جایگاه طبقه متوسط کشورهای غربی، بر احساس محرومیت نسبی آنان می‌افزاید لکن فقدان جامعه مدنی کارآمد و ساختار اقتدارگرا که اعتراض را بر نمی‌تابد، امکان اظهار نظر مسالمت‌آمیز سلب گردیده و سرکوب جایگزین آن شده است. چنین ساختاری در عین اقتدار به دلیل بحران‌های داخلی و خارجی توان سرکوب آن تضعیف گردیده و جرقه‌ای لازم دارد تا موجبات فوران خشم خفته جوانان را فراهم نماید (Bayat, 2009). در این هنگام گسترش آگاهی و کاربرد رسانه‌های اجتماعی به کمک آن‌ها می‌آید و موجب بسیج سیاسی می‌شود که مورد تحولات اخیر جهان عرب کاتالیزور؛ بحران اقتصاد جهانی و جرقه خودسوزی جوان تونس و کشته شدن خالد سعید در مصر بود.

۱. در مصر، بیکاری تحصیل‌کردگان دانشگاهی ۱۰ برابر میزان بیکاری در میان اقشار عادی و غیرتحصیل‌کرده است.
/http://www.businessinsider.com

مصر و رسانه‌های جدید

مصر؛ جامعه شبکه‌ای

از اوایل دهه ۱۹۷۰ فناوری‌های نوین اطلاعاتی، آسیب‌پذیری دولت‌ها را افزایش داده است. گزارش دولت سوئد با عنوان *تنگلاین*^۱ تأیید می‌نماید که خطرات عمده جامعه شبکه‌ای^۲ می‌تواند حیات کشورها را تهدید کند؛ چراکه اینترنت، افراد و گروه‌ها را از اقصی نقاط دنیا به یکدیگر متصل ساخته تا اطلاعات ارتباطی لازم را مبادله کنند و این اطلاعات می‌تواند حاکمیت و امنیت نظام‌های سیاسی را با چالش جدی مواجه سازد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

استقبال از رسانه‌های اجتماعی چندسویه در جهان امروزی به ویژه در جهان عرب از آن جهت است که کاربران اینترنتی می‌توانند برای اغلب نیازهای خود در این وب‌سایت‌ها آنلاین، پاسخ مناسب بیابند. از سوی دیگر، وجه اشتراک انواع رسانه‌های جدید، مخاطب‌محور بودن آنها و تولید محتوا توسط افراد مصرف‌کننده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی محیط مساعدی را برای مشارکت افراد در جامعه مجازی، برقراری روابط نمادین و کشف مجدد خود و بازتعریف هویت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی فارغ از محدودیت‌ها و عوامل سرکوب‌کننده فراهم می‌نمایند (Salanova: 2012: 7-12).

استبداد در جهان عرب یا به تعبیر دقیق هشام شرابی؛ - پدرسالاری جدید- (شرابی، ۱۳۸۰)، سبب شده بود که جامعه به سمت پنهان‌کاری تمایل پیدا نماید و فرهنگ نیز به «رسمی - آشکار» در برابر «غیررسمی - غیر آشکار» تقسیم شود؛ ساکنان سرزمین استبداد، به بازیگرانی با نقاب و صورتک تبدیل می‌گردند که در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی پنهان می‌شوند و هر شخص، در صورت لزوم آنی نیست که نشان می‌دهد.

دگرگونی در ارتباطات: چندسویه شدن ارتباطات که اینترنت عامل اساسی آن است سبب ایجاد فضایی شود که از یک سو آگاهی افراد را افزایش یافته و از سوی دیگر به سبب بُعد پنهان ماندن آن شهروندان را بیشتر در مناسبات سیاسی درگیر نماید. دسترسی سریع و آسان و کم‌هزینه به شبکه‌های اجتماعی مجازی، امکان گذاشتن نظر و اخبار در هر لحظه و مشاهده‌ی انعکاس نظرات کاربران، نداشتن مخاطرات و هزینه‌های بحث‌های رودررو، در نتیجه به عرصه‌ای برای گفتگو تبدیل شود.^۳

آماري که از کشور مصر در دست است، به روشنی نشانگر رشد استفاده از فناوری‌های جدید

- 1 . Tengline Report
- 2 . Network Society
- 3 . Nytimes.com, 2012

ارتباطی و شکل‌گیری یک جامعه‌ی شبکه‌ای است. بر این اساس، تعداد کاربران اینترنت در مصر از ۰/۷ درصد در سال ۲۰۰۰ یعنی در حدود ۴۵۰ هزار کاربر به ۳۵/۶ درصد در سال ۲۰۱۳ رسیده است؛ یعنی ۲۹،۸۰۹،۷۲۴ کاربر که از این تعداد ۱۲،۱۷۳،۵۴۰ نفر (۱۴/۵ درصد) کاربر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بوده‌اند.^۱ این کشور همچنین دارای ۹۲،۶۴۰،۰۰۰ خط تلفن همراه است.^۲

مصر؛ رسانه‌های اجتماعی چندسویه زمینه‌ساز تحولات

اصطلاح انقلاب‌های فیس‌بوکی و توییتری ترکیب جدیدی است که به‌تازگی وارد ادبیات سیاسی و جامعه‌شناسی شده و به‌سادگی می‌توان دریافت که این ترکیب، ریشه در رخدادهای اخیر خاورمیانه دارد که از تونس و مصر آغاز گردیده است. آنچه در این تغییرات انکارناپذیر است، تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی، سازمان‌دهی و گسترش سریع تحولات در کشورهای منطقه بود. تحولات اخیر منطقه این واقعیت را آشکار کرد که رسانه‌ها و فناوری‌های جدید تا چه اندازه در گسترش سریع و پایدار تغییرات اجتماعی مؤثر هستند. تحولات جهان عرب نه‌تنها سال‌های دیکتاتوری را به چالش کشید، بلکه مردم را توانمند کرد تا مقتدرانه از فناوری‌ها و رسانه‌های جدید برای ایجاد ارزش‌های مشترک و حمایت از انقلاب استفاده کنند (Bhuiyan, 2011: 14-18).

این درست است که تظاهرات و اعتصابات علیه حکومت مبارک از یک صفحه اعتراضی در فیس‌بوک آغاز شد و گسترش یافت اما باید در نظر داشت مردم به خاطر حق خود برای تعیین سرنوشت و برای مقابله با رژیمی اقتدارگرا به خیابان‌ها آمدند (Eltantawy and Wiest, 2011: 1209).

تراکم انواع بحران‌ها در جهان عرب از قبیل بحران اجتماعی؛ معیشت؛ هویت؛ مشروعیت و کارآمدی، سبب به وجود آمدن تحولات انقلابی در این کشورها شد. بنابراین رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در این دوره نقش مؤثری در پیوند و سازمان دادن شهروندان جهان عرب داشته و پشتیبان انقلاب بوده‌اند. گفتنی است جوامع اسپر دیکتاتوری نظیر مصر همواره پیوند و سازمان ضعیف اجتماعی داشته‌اند؛ پیوندهایی که اجازه تشکیل یا تثبیت آنها را حکومت نمی‌داد. نکته اینجاست، در زمانی که سرکوب احزاب و نهادهای جامعه مدنی امید شهروندان را برای تغییر از بین برده بود، ناگهان رسانه‌های نوین که شکل چندسویه دارند از راه رسیدند (Eltantawy and Wiest, 2011: 1209) و با گسترش اینترنت در کشورهای عرب منطقه، شبکه‌های اجتماعی و دیگر قابلیت‌های آن

1 . <http://www.internetworldstats.com/africa.htm>

2 . IWS&Africa Telecom_ www.egyptindependent.com

به پدیده‌ای جوان‌پسند و جامعه‌پذیر تبدیل شدند. این شبکه‌ها در ابتدا کارکرد اجتماعی داشتند اما به تدریج به دلیل اعمال محدودیت از سوی حاکمان عرب بر آن، به ابزاری سیاسی تبدیل شدند (آقایی، ۱۳۹۰: ۱۴).

در جریان انقلاب مصر و سپس جنبش ترمرد شبکه‌های اجتماعی به نوعی روح جمعی را در شهروندان تقویت کرده و باهم بودن در دنیای مجازی سبب تنها نماندن در میدان‌التحریر شد. این شکل از رسانه‌ها تحولات فاقد رهبر و کاملاً مردمی از پایین به بالا را رقم زد و روند تحولات منطقه را تسریع کرد. در این زمینه باید اشاره کرد که *توماس فریدمن*، در مورد اهمیت شبکه‌های اجتماعی از آن «به‌عنوان مسجد مجازی در مقابل مساجد انقلاب اسلامی ایران یاد می‌کند» (آقایی، ۱۳۹۰: ۱۴).

تغییر ماهیت و دامنه اعتراضات

مصر: تعارض نسل‌ها

جمعیت جوان مصر که پرچم‌دار تحولات بودند، بیشتر مشکلاتشان از وضعیت اقتصادی؛ سیاسی و اجتماعی مصر ناشی می‌شد. روند چشمگیر جوان شدن جمعیت کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا موجب شده است که در سال‌های اخیر مطالعات و نظرسنجی‌های جالب توجهی درباره‌ی روحیات و گرایش‌های نسل جوان صورت بگیرد که بیانگر تفاوت‌های مهم و معناداری میان نگرش‌های والدین و فرزندانشان است. بر اساس نتایج چنین مطالعاتی گفته شده است که «جوامع عرب امروزه در حال تجربه تعارض بین نسل‌ها هستند. عربیسم؛ سوسیالیسم و ضد امپریالیسم بودن، ارزش‌های نسل مبارزان قهرمان ملی گرا بود اما این ارزش‌ها ضرورتاً مورد پذیرش نسل بعد از آن نیست» (Munoz, 2000: 23).

دگرگونی نسل از جمله عوامل مؤثر بر تغییرات سیاسی و اجتماعی است و به‌ویژه جایگزینی نسل می‌تواند به معنای تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی باشد که آثاری شگرف بر مسیر و جهت‌گیری‌های درازمدت هر جامعه و دولتی بر جای می‌گذارد. این تغییر آنگاه مهم و معنادار است که دگرگونی‌های ارزشی بین دو نسل نمایانگر نوعی شکاف باشد و به تعبیر *پل سالم*: «نسل جدید می‌خواهد از ایدئولوژی دیگری برای تعیین هویت خود استفاده کند» (نبوی، ۱۳۹۰: ۱۸).

جوانان هر دوره پیش‌تازان دگرگونی هستند. آنان اغلب خود را پیشگامان تغییر پنداشته و بر این باورند که دگرگونی، بهترین حقیقت ممکن است.

فقدان حاکم خوب، خودکامگی نظام سیاسی و نفوذپذیری به همراه فقر و نابرابری و انواع درماندگی‌های اجتماعی موجب شکاف بین ملت و دولت به ویژه جوانان و حکومت منجر می‌شود. بر همین پایه تحقیق و پیمایش جهانی نوریس و اینگل هارت (۲۰۰۴) نشان داد که جهان ما تا حدی وضعیت دوگانه «متناقض‌نمایی» دارد. از یک سو فرایندهای عرفی شدن از عرصه عمومی کشورهای صنعتی و مابعد صنعتی به کشورهای در حال توسعه در جریانی است که جهانگیر شده است و از سوی دیگر شواهد بسیاری از رشد ارزش‌های متفاوتی حکایت دارند. آنان از شواهد میدانی بین‌المللی خود چنین استنباط کرده‌اند که دین‌گرایی در حوزه‌هایی در حال رشد بوده است که جمعیت‌های آسیب‌پذیر، ملل فقیر و نوسازی‌های دولتی شکست خورده‌ای را شامل می‌شدند. مواجه شدن مردمان در این حوزه‌ها با انواع مخاطرات فیزیکی، اجتماعی و شخصی سبب شده است که احساس امنیت‌شان لطمه بخورد و این امر در رشد تغییرات وسیع فرهنگی اثر گذاشته است (Norris and Inglehart, 2004: 134).

نظریه اینگل هارت تا حدی می‌تواند توضیح بدهد که شکست نوسازی دولتی، آن‌هم دولتی اقتدارطلب و بی‌اعتنا به ویژگی‌های فرهنگی و روحیات موجود در مصر، به ویژه وقتی با احساس فقر و نابرابری اجتماعی و فرهنگی و علاوه بر آن نداشتن امکان مشارکت سیاسی رضایت‌بخش درهم آمیخته می‌شود، چگونه می‌تواند زمینه مناسبی برای دگرگونی فرهنگی به وجود بیاورد. اما همان‌گونه که در نظریه یادشده آمده که این فقط یک طرف قضیه است. طرف دیگر، تسری فرآیندهای جهانگیر عرفی شدن به جامعه مصر است و این همان چیزی است که در نسل امروزی تاحدودی نمایان است؛ نسلی نو و در حال رشد در میان فضاهای مدرن سکولار با افق‌های پست مدرن مابعد سکولار. گروه‌های جدید اجتماعی مانند جوانان و زنان به ویژه از طبقات متوسط شهری برخلاف نسل‌های پیشین در محدوده انواع ایدئولوژی‌های مهر و موم شده در قالب‌های ناسیونالیستی؛ سوسیالیستی؛ لیبرالیستی و اسلام‌مستی نمی‌اندیشند (Blaydes, 2013: 65).

دموکراسی و حقوق بشر برای آنان بیش از اینکه حکم یک نسخه ایدئولوژیک داشته باشد، صورتی تازه از زندگی اجتماعی است؛ نوعی منطق و زبان برای همزیستی کثرت‌آلود امروزی و روشی به نسبت رضایت‌بخش برای حل اختلافات است (See: Bayat, 2009). فناوری اطلاعات و ارتباطات چندسویه و امکانات چندرسانه‌ای که کمتر قابل کنترل‌اند، وضعیت تازه‌ای از خلاقیت و معناسازی را برای این نسل فراهم کرده است.

مصر؛ از اعتراضات اصلاح‌طلبانه تا انقلابی

کشورهای عربی برخلاف بسیاری از کشورها و مناطق جهان در دوره‌های پیشین، گذار از اقتدارگرایی به مردم‌سالاری که معروف به امواج دموکراتیزاسیون است به ویژه پس از فروپاشی بلوک شرق، به سمت اصلاحات مردم‌سالارانه حرکت نکردند. امری که موجب رواج مفهوم «استثنای عربی» و ادبیاتی با مضمون ناسازگاری فرهنگ عربی با مردم‌سالاری شد. به طور مثال در مصر مبارک در نخستین انتخابات ریاست جمهوری پس از ترور سادات، ضمن اعلام اینکه بیش از دو دوره رئیس‌جمهور مصر نخواهد بود، گفت: «دموکراسی بهترین ضمانت برای آینده است». وی به‌علاوه وعده‌های فراوانی در مورد بهبود وضعیت اقتصادی داد، با این حال سه دهه در پست ریاست جمهوری باقی ماند و وضعیت سیاسی یک‌بار دیگر به سمت اقتدارگرایی و اوضاع اقتصادی به سمت انحصار به پیش رفت (Arafat, 2009: 124).

وضعیت ایجادشده در مصر و مبارزات مسلحانه‌ای که اپوزیسیون اسلام‌گرا آغاز کرده بود، بهانه‌ی لازم برای سرکوب نیروهای مخالف و بستن فضای سیاسی را به رژیم مبارک داد و حتی پس از توقف مبارزات در دهه ۱۹۹۰، قانون وضعیت فوق‌العاده در طول دهه بعد تمدید شد. در چنین فضایی اعتراض به وضعیت از سال ۲۰۰۰ در جامعه مصر به دو صورت سیاسی و اجتماعی بروز کرد: اعتراض سیاسی با آغاز دومین انتفاضه فلسطینی‌ها در سال ۲۰۰۰ آغاز و با تأسیس جنبش مصر برای تغییر (کفایه) به داخل کشور منتقل شد. کفایه جنبشی کوچک و محدود بود و در اعتراضات صورت گرفته پس از ۲۰۰۴ توان بسیج عمومی محدودی از خود نشان داد، اما نوع فعالیت‌ها و عملکرد رهبر جوان آن؛ یعنی *أیمن النور*، که به بزرگ‌ترین چالش پیش روی مبارک در انتخابات ۲۰۰۵ تبدیل شد، سهم به‌سزایی در گسترش فرهنگ اعتراض در جامعه مصر داشت. در واقع، عدم پاسخ‌گویی حکومت به خواست تغییر و محدودیت اعتراضات سیاسی و حساسیت آن نسبت به این شکل از اعتراضات، به تدریج به بروز پدیده نوین اعتراضات اجتماعی در جامعه مصر انجامید. در نتیجه، اعتراضات اجتماعی در کنار اعتراضات سیاسی گسترش یافت و از سال (۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱)، اعتراضات به شکل عمودی و افقی در جامعه مصر سیری صعودی پیمود. اعتراضات اجتماعی فاصله مشخصی با اعتراضات سیاسی داشتند و معترضین خواسته‌های صنفی و جزئی، برای پیشگیری از سرکوب و اعلام اعتراض خویش، از خواسته‌های معترضان سیاسی پیروی نمی‌کردند (Storck, 2011: 14). اما از طرفی جنبش‌های دیگر با خواسته‌های گوناگون و با تأکید بر پیوند هویت و اعتراض به وجود آمدند و شاخص‌ترین آن‌ها جنبش «خالد سعید» بود؛ جوانی که در سال ۲۰۱۰ تحت شکنجه پلیس در

اسکندریه کشته شد و موجی از اعتراض‌ها را رقم زد. ناکامی اعتراضات اصلاح‌طلبانه در بُعد سیاسی و اجتماعی آن، این جریان‌ها را به اعتراض انقلابی سوق داد. غلبه گفت‌وگو این جریان در تحولات سال ۲۰۱۱ و همگام شدن جریان نخست با آن، راه سرنگونی مبارک را هموار کرد. گذر اعتراضات از مرحله اصلاح‌طلبی به مرحله انقلابی راهی جز عقب‌نشینی برای حاکمیت مبارک باقی نگذاشت و این واقعیت برای معترضان آشکار بود که تراکم بحران از جمله عوامل اصلی سرنگونی رژیم‌های موجد این بحران است؛ ضعف و ناکارآمدی در ایجاد یک سامان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تراکم این بحران می‌انجامد و در نهایت در صورت نبود راهی برای بیان اعتراض و تعدیل، حاکمیت با قیام، شورش و انقلاب مواجه می‌شود. عامل تحریک و تسریع‌کننده قیام مصری‌ها ابتدا انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ مصر بود که شاهد تخلفات بی‌سابقه‌ای در طول تاریخ مصر پس از کودتای ۱۹۵۲ بود. این انتخابات، آخرین امیدهای تغییر در ساختار موجود را از بین برد و احزاب مخالف را در اندیشه‌ی راه‌های جایگزین برای پیشبرد تغییر فرو برد. در این وضعیت، عامل تسریع‌کننده دوم در تونس به روز یافته و زمینه قیام عمومی در مصر را مهیا کرد (احمدیان، ۱۳۹۰: ۲۱۳-۱۹۰).

جامعه مصر پس از مبارک

فرهنگ سیاسی مصر بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه

به جهت پی بردن به میزان تغییر در فرهنگ سیاسی مردم مصر و آنکه تحولات پیش‌آمده در مصر بیشترین تأثیر را در کدام طبقه اجتماعی گذاشته است، بایستی به پژوهش‌های میدانی داخل جامعه مصر رجوع کرد که می‌توان به گزارشی که توسط مرکز الاهرام تهیه شده و موضوع آن «ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی رأی‌دهندگان مصری» است اشاره کرد. این گزارش نشان‌دهنده نمای کلی از فرهنگ سیاسی مردم مصر و طرز تفکر آنان نسبت به حکومت است. تحقیق فوق که بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه تهیه شده، شاخص‌هایی چون جمعیت‌شناسی فعالان در انتخابات؛ توزیع جغرافیایی؛ سطح تحلیل؛ تمایل داشتن رأی‌دهندگان به دانستن حقیقت؛ مرور بر سیاست‌های دولت و اعتماد عمومی میان مردم را مورد بررسی قرار می‌دهد (Erle, 2012: 14). همچنین باید اشاره کرد که پژوهش انجام‌شده یافته‌های سه تحقیق میدانی در مورد ۲۲ استان مصر است که توسط مرکز الاهرام میان ماه‌های آگوست و اکتبر سال ۲۰۱۱ صورت گرفته است و چهار بُعد ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی مصریان (مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی، حمایت سیاسی و سرمایه اجتماعی) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فرهنگ مشارکت سیاسی در مصر

یک جنبه مهم در هر سیستم سیاسی سطوح مشارکت است، لذا حداقل سطح مشارکت مانند رأی‌گیری در انتخابات نیز سیستم سیاسی را قادر می‌سازد به منافع عمومی پاسخگو بوده و آن را توانمند می‌کند. از لحاظ تئوری، مشارکت سیاسی را در دو گروه وسیع می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

۱. مشارکت سیاسی غیررسمی: این نوع مشارکت خارج از قواعد رسمی سیستم سیاسی است مانند: تظاهرات و اعتراض‌های غیرقانونی، تحریم محصولات و ...
۲. مشارکت سیاسی رسمی: این نوع مشارکت در قواعد رسمی سیاسی است مانند: رأی‌دادن، فعالیت منظم حزبی (فعالیت احزاب متعدد با چارچوب مشخص) و ...

مشارکت سیاسی غیررسمی

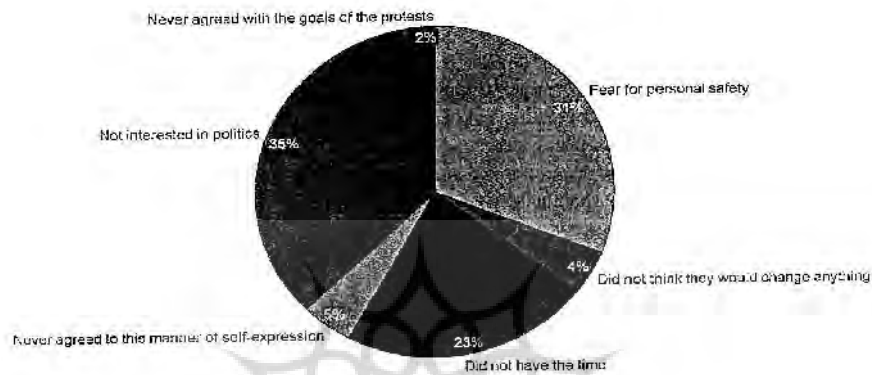
سیاست‌های غیررسمی اغلب در تقابل با سیستم سیاسی موجود است و یک فعالیت با هدف سیاسی کردن موضوعات خاص و مجاب کردن سیستم سیاسی برای پاسخ دادن به موضوعات مربوط به معترضان قلمداد می‌شود. لیکن در مصر (ژانویه ۲۰۱۱) تحریک عمومی سبب شد که میلیون‌ها شهروند به خیابان آمده و اعتراض خود را علنی نمایند. درواقع، این یک نمونه از مشارکت سیاسی غیررسمی از سوی شهروندان بود که هدف اصلی آن موضوعاتی نظیر عدالت اجتماعی و فساد^۱ را در بر می‌گرفت. بنابراین هدف اصلی این اقدام، مجاب کردن سیستم سیاسی برای ارائه راه‌حل بود (International Business, 2010: 12-18).

این عامل محرک سبب شد که به‌طور تقریبی ۸ تا ۱۰ درصد از جمعیت مصر به خیابان آمده تا زمینه‌های سقوط مبارک را فراهم نمایند. این مشارکت که در سطح بالایی شکل گرفت شرکت‌کنندگان را با خطرات بزرگی مانند: شکنجه، زندان و مرگ روبه‌رو می‌کرد ولی معترضان به مدد همان عامل محرک و اجتماعی که میان آن‌ها ایجاد شده بود با هدف ریشه‌کن کردن فساد، عدالت اجتماعی و پایان دیکتاتوری به میدان پا گذاشتند. نکته قابل تأمل اینجاست که وقتی معترضان در ۲۵ ژانویه به خیابان‌ها رفتند؛ هدف فقط براندازی حکومت نبود بلکه آنان خواهان اصلاحات و پایان دادن به فساد بودند، اما هنگامی که رژیم از پاسخ‌گویی مناسب به خواسته‌های فعالان خودداری کرد، فعالان سیاسی که مشارکت را در سطح بالایی می‌دیدند؛ چاره‌ای جز براندازی حکومت نداشتند. خواه به هدف عدالت اجتماعی و پایان فساد می‌رسیدند یا نمی‌رسیدند. این موضوع نشان از آن دارد که هدف اصلی این انقلاب ابتدا فقط سیاسی نبوده

۱. بر اساس شاخص‌بندی گزارش فساد بین‌المللی، مصر در سال ۲۰۱۰ در رتبه ۹۸ قرار گرفته بود.

و معترضان اهداف اقتصادی را هم دنبال می‌کردند. بنابراین این فعالان برنامه کار سیاسی متفاوتی داشتند و تنها چیزی که این گروه‌ها را با عقاید متفاوت متحد کرده بود، نارضایتی علیه فساد و عدالت اجتماعی بود (Dalton and Welzel, 2014: 3).

حال سؤال اینجاست که باقی شهروندان به چه دلایلی مشارکت نداشتند؟ نمودار شماره ۱ به روشنی بیان می‌کند که چرا دیگر شهروندان مشارکت نداشتند.



نمودار ۱- دلایل عدم شرکت دیگر شهروندان مصر

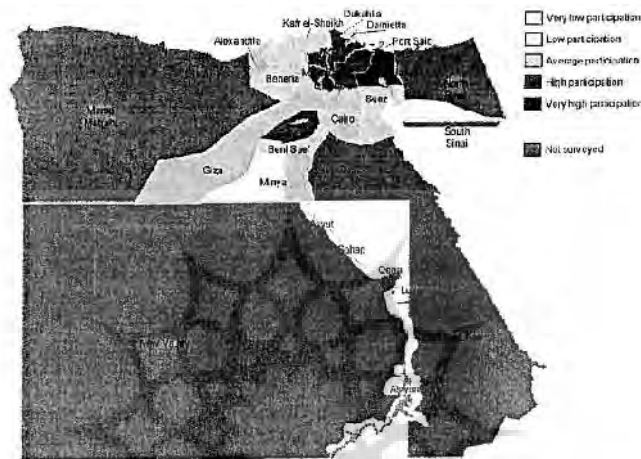
درواقع انگیزه و دلایل عدم شرکت دیگر شهروندان مصری بر طبق برآوردهای ذکرشده شامل موارد زیر است:

(Erle, 2012: 19)

- ۲ درصد مخالف اهداف معترضان بودند؛
- ۳۱ درصد امنیت شخصی خود را درخطر می‌دیدند؛
- ۴ درصد این باور داشتند که عملاً نمی‌توانند تغییراتی را ایجاد نمایند؛
- ۲۳ درصد وقت لازم برای این کار را نداشتند؛
- ۵ درصد این نوع برخورد و حالت بیان اعتراض را قبول نداشتند؛
- ۳۵ درصد اصلاً علاقه‌ای به فعالیت و مباحث سیاسی نداشتند.

این آمار نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی در مصر محدود به بخش کوچکی از جمعیت آن است. می‌توان این دسته از شهروندان مصری را این‌گونه برآورد کرد که تنها نسل جدید طبقه متوسط شامل: تحصیل‌کردگان و افراد مرتبط به اینترنت و فضای مجازی غالب معترضان

را تشکیل می‌داده‌اند؛ چراکه اکثر این فعالان سیاسی در رده سنی (۳۰-۱۸) سال بوده‌اند. این افراد جوان؛ به افزایش حضور و اثرگذاری دولتمردان مسن در سیستم سیاسی و بی‌توجهی به مسائل و زندگی جوانان مانند: امنیت شغلی؛ معیشت و... اعتراض داشتند، لذا تعجب‌آور نیست که اکثریت معترضان از طبقه متوسط محدود به مناطق شهری مانند: اسکندریه و قاهره بودند که تفاوت‌های ناحیه‌ای فوق به‌خوبی در تصویر ذیل است.

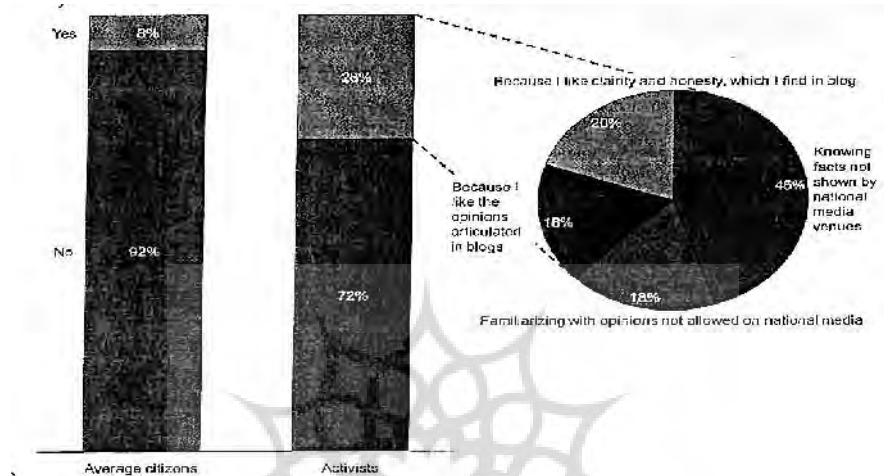


تصویر شماره ۱- توزیع جغرافیای شرکت‌کنندگان در اعتراض

تصویر فوق نشانگر آن است که تفاوت‌های ناحیه‌ای قابل توجهی در پراکندگی معترضان وجود داشته است؛ در استان‌های اسوان؛ اسیوط؛ قنا و سوهاج درصد شرکت‌کنندگان بسیار کم بوده و در اسماعیلیه و حاشیه آن میزان مشارکت بالا است. از هر پنج نفر یک نفر در اعتراضات شرکت داشته‌اند؛ همچنین اقل‌صغر به‌عنوان یک برون‌هسته در استان‌های جنوبی با میزان ۱۲ درصد مشارکت، ظاهر شده (Erle, 2012: 21 - Salanova, 2012: 30).

شهرنشینی و جزء طبقه متوسط بودن معترضان سبب می‌شود که آنان از علم و فناوری‌های نوین در جهت گسترش دامنه اعتراضات خود استفاده نمایند. همچنین بهره‌برداری جمعیت جوان از اینترنت موجب می‌شود که آنان به راحتی به اطلاعات و وضعیت زندگی جوانان در کشورهای دیگر دست یابند؛ لذا باید یادآوری کرد که از جمعیت بالای ۸۰ میلیونی مصر حدود ۲۹ میلیون کاربر اینترنت فعالند که ۱۲ میلیون نفر عضو شبکه‌های اجتماعی نظیر

فیس‌بوک هستند.^۱ در نمودار شماره ۲ فعالان با کل جمعیت مقایسه شده‌اند که از اینترنت به‌عنوان منبع اطلاعات استفاده می‌کنند. کاربران اینترنت شه‌روندان منتقدی هستند که در پی منابع اطلاعاتی مختلف برای به دست آوردن تصویر صحیح‌تری از واقعیت هستند (Salanova, Erle, 2012: 23).



نمودار شماره ۲- مقایسه فعالان اینترنت با جمعیت

مشارکت سیاسی رسمی

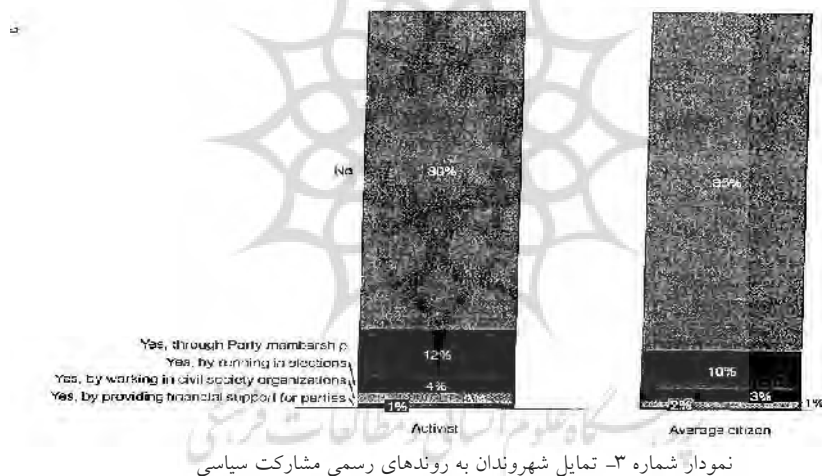
مصر کشوری بود که در آن سالیان متمادی قانون؛ وضعیت فوق‌العاده حاکم بود. به‌علاوه حکومت استبدادی عامل قوی پیوند میان شه‌روندان را از میان برده بود و امکان فعالیت مشارکت غیررسمی از جامعه سلب شده بود، اما حکومت مبارک به جهت نمایش و ارائه یک چهره مطلوب از خود در جامعه بین‌المللی برخی اشکال مشارکت سیاسی نظیر: انتخابات ریاست جمهوری؛ پارلمان و فعالیت حزبی را اجرایی می‌کرد که انجام انتخابات ریاست جمهوری محدود به یک کاندید و یک حزب سیاسی خاص بود. در سال ۲۰۰۵ اولین انتخابات ریاست جمهوری در مصر با چند کاندیدا برگزار شد ولی در این انتخابات هم نتیجه کامل مشخص بود. نبود آزادی و انتخابات منصفانه به این معنی است که میزان مشارکت در انتخابات پایین می‌آید چراکه مردم به سیستم سیاسی بدگمان هستند.

با پایان حکومت مبارک این امیدوار به وجود آمد که سطوح مشارکت مردمی در مصر بالا رفت و در رفراندوم اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۱ میزان مشارکت به ۴۱ درصد رسید.

1. www.internetworldstats.com/africa, 2012

این رقم شاید به لحاظ عددی پایین باشد و آن سطح انتظار و امید را برطرف نکند ولی برای مصر با توجه به وضعیتی که در گذشته داشت میزان بالایی محسوب می‌شود. همچنین احزاب زیادی در مدت کوتاهی تشکیل شد که هسته مرکزی آن در زمان اعتراضات شکل گرفته بود (نبوی و مصلح، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

نکته حائز اهمیت در مورد مصر آن است که به نظر نمی‌رسد که فعالان معترض مایل به شرکت در روندهای سیاسی رسمی باشند (Bhuiyan, 2011: 19). به عبارت دیگر، فعالان سیاسی در مصر تمایل زیادی به ملحق شدن به روندهای رسمی مشارکت سیاسی ندارند و بر این باورند که اگر خارج از سیستم مشارکت سیاسی رسمی قرار بگیرند بیشتر می‌توانند بر سیاست‌ها مؤثر باشند. احتمال می‌رود که این نتایج ریشه در گذشته مصر داشته باشد و مردم به طور معمول بدگمانی عمیقی به سیستم سیاسی دارند. نمودار شماره ۳ میزان تمایل شهروندان به روندهای رسمی مشارکت سیاسی نشان می‌دهد (Salanova, 2012: 36. Erle, 2012: 28).



فرهنگ رقابت سیاسی در مصر

عدم آگاهی سیاسی شهروندان مصری موجب می‌شود که این احساس را نداشته باشند که رقیبان سیاسی‌اند و قادرند در سیاست‌ها مؤثر باشند؛ ترکیب شهروندانی که احساس مؤثر بودن بر سیاست را دارند نسبت به شهروندانی که این حس را ندارند و پاسخگو بودن سیستم سیاسی به تقاضای آن‌ها دلیل مهمی است که فعالان ناکامی‌هایشان را در اعتراض اعلام کرده و در پروسه سیاسی رسمی شرکت نمی‌کنند (Dalton and Welzel, 2014: 7). هنگامی که مصریان در

ماه نوامبر به پای صندوق‌های رأی رفتند یک جنبه مهم، توانایی آنان برای انتخابی بهینه در جهت منافعشان بود. بنابراین در بافت جامعه مصر این موضوع برای رأی‌دهندگان به خاطر چهار دلیل دشوار است: دلیل اول این است که در سال‌های متمادی حکومت استبدادی شهروندان عادت کرده‌اند که از چیزی خبر نداشته باشند و لذا آنان نمی‌دانستند که کدام حزب و گروه سیاسی بهتر می‌تواند در جهت منافع آنان خدمت کند.

دلیل دوم؛ بعد از سقوط حکومت مبارک گروهی از احزاب در مصر آمدند که به دنبال این موضوع ائتلاف‌های مختلفی را در برداشت که دوباره از هم پاشید. هضم و درک این تغییرات برای رأی‌دهندگان دشوار بود که اظهار نمایند کدام حزب بهتر به منافع آنان خدمت می‌کند.

دلیل سوم؛ اکثریت احزاب تاکنون هیچ راه‌حل و برنامه‌ای برای مشکلاتی که مصر با آن روبه روست ارائه نکردند و این موضوع مصریان را با عدم توانایی اظهار نظر مواجه می‌سازد.

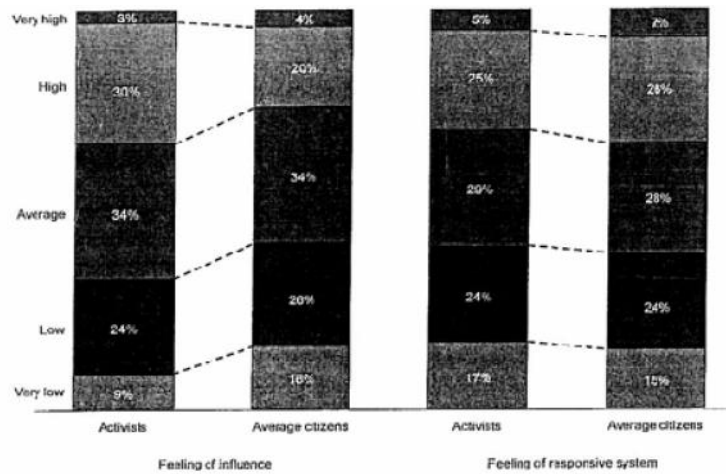
دلیل چهارم؛ سیستم انتخاباتی در حزب‌های بزرگ مصر بر اساس نماینده مناسب در هیئت مؤسسان انتخاباتی است و نه در سطح ملی و این امر مانع از آن است که رأی‌دهندگان مصری همواره در نظر داشته باشند که چه حزبی بهتر در راه منافعشان خدمت می‌کند (Blaydes, 2013: 85).

احساس بی‌تأثیر بودن بر سیاست و رقابت در آن که ناشی از استبداد گذشته است، سبب شده که اکثریت مصریان قادر به نام بردن افراد سیاسی نباشند و فقط ۳ درصد از مصریان قادرند مسئولان محلی؛ نخست‌وزیر؛ وزیر امور خارجه و وزیر کشور را بشناسند و همچنین ۶۶ درصد از مصریان فقط می‌توانند نام یکی از وزرا را ببرند. بنابراین می‌توان بیان داشت که قبل از رقابت سیاسی باید آگاهی نظری؛ علمی و عملیاتی ایجاد شود چرا که بدون آگاهی در واقع رقابت ایجاد نشده و یا رقابت سیاسی سالمی نخواهد بود.

احساس رقابت سیاسی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: نخست آیا شهروندان احساس می‌کنند قادر به درک و اثرگذاری سیاسی هستند؟ دوم آیا شهروندان احساس می‌کنند که سیستم سیاسی به نیازهای آنان توجه می‌کند؟ (Erle, 2012: 24).

نمودار شماره ۴ سطح پائین احساس شهروندان به تأثیرگذار بودن بر سیاست‌ها و این احساس که سیستم سیاسی پاسخگوی مشکلات آنان است را نشان می‌دهد.

وجود حس عدم توانایی برای تأثیر بر سیاست‌ها، ارزیابی عینی رقابت سیاسی را تأیید می‌کند لیکن به شکل قابل توجهی سطح احساسی که سیستم سیاسی پاسخگو است، بیشتر از آن است که افراد در سال‌های متمادی حکومت استبدادی انتظار داشته‌اند که با کمبود پاسخ‌دهی به تقاضاهای مردمی مشخص می‌شود (Erle, 2012: 24).



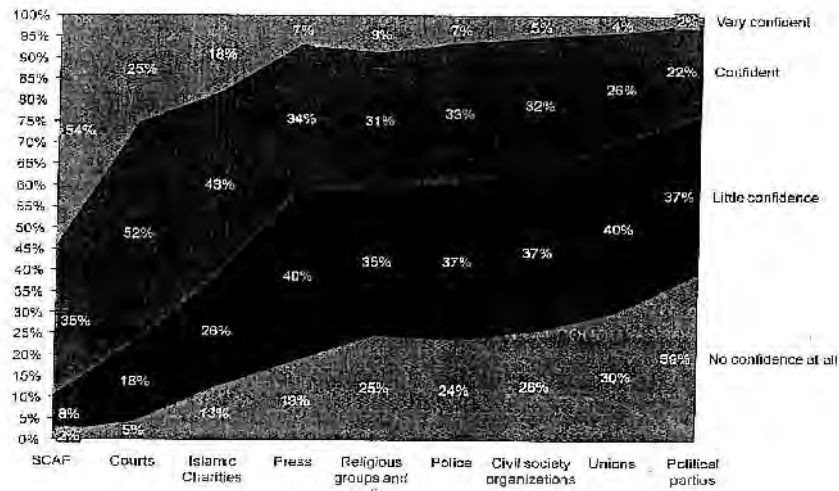
نمودار شماره ۴- احساس توانایی تأثیر بر سیاست‌ها و احساس پاسخگویی سیستم سیاسی

به همین جهت بود که معترضان و فعالان در مواردی مانند فساد و عدم عدالت اجتماعی نارضایتی خود را اعلام کردند اما این احساس را نداشتند که در جریان درگیری با سیستم سیاسی نارضایتی آنان مورد توجه قرار گیرد. باوجود این، آن‌ها احساس می‌کردند که تا حدودی قدرت اثرگذاری بر سیاست را دارند که اجازه نمی‌داد آنان اعتراض نکنند. تنها گزینه در دسترس فعالان در این وضعیت، سیاست اعتراض بود. ترکیب احساس توانایی اثرگذاری بر سیاست‌ها و احساسی که سیستم سیاسی پاسخگو نیست، سبب مشارکت سیاسی غیررسمی و عدم مشارکت در فعالیت‌های سیاسی رسمی شد (Transparency International, 2010).

فرهنگ حمایت سیاسی در مصر

عملکرد دولت و حکومت مصر در سالیان طولانی سبب شده مصریان از حاکمان و حتی فعالان سیاسی حمایت نکنند چراکه اکثریت مردم بر این عقیده‌اند که سیاست‌های دولتی، تأثیر بدی بر زندگی آن‌ها گذاشته و فساد در میان مقامات دولتی رواج دارد. همچنین دولت نیز نگاه نابرابری به شهروندان دارد.

جامعه مصر را می‌توان برحسب هویت میان مذهب و هویت ملی تفکیک کرد که به دو گرایش؛ اسلامی و ملی تقسیم می‌شوند (Puddephatt, 2012).



نمودار شماره ۵- حمایت سیاسی - حمایت عمومی

نمودار شماره ۵ گویای این مطلب است که این تقسیمات بر ارزش‌های سیاسی تأثیر گذاشته است، چنان‌که برخی از شهروندان با یک هویت ملی (ملی‌گرایانه) جامعه‌ی مدنی را ترجیح می‌دهند اما دیگر شهروندان با هویت مذهبی جامعه‌ای اسلامی را می‌خواستند. هیچ توافقی برای اینکه کدام‌یک از آن دو گروه حاکم شود وجود ندارد و این شکاف می‌تواند جامعه مصر را به یک وضعیت دوقطبی تبدیل کند و در نهایت آن را بی‌ثبات سازد. در صورت حاکم شدن هریک از اندیشه‌های فوق دست کم ۵۰ درصد از جامعه حامی آنان نخواهد بود. در این وضعیت فقط سطوح بالای غرور ملی به ایجاد انگیزه برای شهروندان می‌پردازد تا تبدیل به پلی شود میان دو قطب ایجادشده و در واقعیت یک راه‌حل پایدار برای موجودیت مصر ایجاد نماید؛ چراکه مصالحه بین این دو دیدگاه برای ثبات آینده مصر ضروری است (Puddephatt, 2010 - International Business, 2010).

سرمایه اجتماعی در مصر

سرمایه‌ی اجتماعی^۱ تعامل و اعتماد است که به شهروندان و دولت‌ها کمک می‌کند که در کنار هم باشند. چنانچه مردم متحد شده و به دولت اعتماد کنند، با تعامل و اعتماد آنان منافع مشترک شکل می‌گیرد و تأمین می‌شود. سال‌های طولانی حاکمیت استبداد و فساد در مصر، اعتماد را در میان مردم و حاکمیت از بین برده؛ به‌عنوان نمونه بیش از ۷۱ درصد از مصریان بر

1. The Social Capital

این عقیده بودند فساد در بین مقامات دولتی وجود دارد که این موضوع خود موجبات پایین آمدن سطح اعتماد اجتماعی از سیستم سیاسی را به وجود می‌آورد (Blaydes, 2014). در واقعیت امر به دلیل آنکه یک سمت اعتماد یعنی اعتماد شهروندان به دولت از میان رفته بود، سطحی دیگر یعنی اعتماد شهروندان به یکدیگر پررنگ‌تر شد. در سال ۲۰۱۱ سطح اعتماد میان شهروندان برای اقدام عملی علیه حکومت مبارک افزایش یافت. به مبارزه طلبیدن نیروهای پلیس؛ حبس؛ شکنجه و مرگ به طور معمول نیازمند آن است که فرد به دیگران اعتماد کند و این امر موجب می‌شود افراد در مقابل پیامدهای اعتراض در امان باشند لذا در طول ۱۸ روز انقلاب احساس آسیب‌پذیری فعالان منجر به همکاری و اعتماد به یکدیگر شد که بعد از برکناری مبارک این اعتماد به دلایل گوناگون چون نداشتن برنامه مشترک و همبستگی تضعیف شد.

نتیجه‌گیری

ضرب‌المثلی در جهان عرب می‌گوید که «دیکتاتوری‌های عرب جمعه‌ها را دوست ندارند». شاید اغلب مردم تصور می‌کنند وقوع این قیام‌ها و این انقلاب‌ها مسری است و امروزه در عصر ارتباطات باید آمادگی آن را داشته باشیم که در هر نقطه از جهان عرب یک حرکت مردمی و انقلابی آغاز شود. چنان که معترضان در تحولات اخیر با صدای بلند بیان کردند که پشتیبان یکدیگرند؛ «مردم مصر به شکلی فعال از انقلاب تونس پشتیبانی کردند. چنان که مردم تونس از انقلاب مصری‌ها حمایت کردند». اینها بخشی از گفته‌های سلیم عمامو^۱ از معترضان تونس در ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱ است، زمانی که پایه‌ها حکومت مبارک سست شده بود.

انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و سرنگونی حسنی مبارک نتیجه تغییراتی هرچند نسبی، کوتاه و آرام در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه مصر است. البته فرهنگ سیاسی مردم هر کشوری در اثر متغیرهای مختلفی چون جغرافیا؛ اقتصاد؛ تجربه‌های تاریخی؛ نوع سیاست و حکومت آن شکل می‌گیرد و بررسی موقعیت جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی بازگوکننده اثر این ساختارها بر فرهنگ سیاسی شهروندان است. به عنوان نمونه جغرافیای مصر و کمبود آب در این کشور و نیاز به نظارت آن خودبه‌خود نیازمند دولتی است که توان این مدیریت را داشته باشد. لذا وضعیت جغرافیایی مصر یکی از زمینه‌های به وجود آورنده اقتدارگرایی در این کشور محسوب می‌شود. همچنین در حوزه اقتصاد نیز باید ذکر کرد که مصر در سراسر تاریخ معاصرش با

بحران مالی مواجه بوده و در کنار آن فساد به بحران مالی نیز افزوده است که خود سبب بیشترین فشار به مردم می‌شود با وجود این مشکلات دولت همواره سعی کرده با اقدامات و شیوه‌هایی، مانع از به وجود آمدن نهادها و گروه‌های اجتماعی شود؛ نخست، به تضعیف نهادی جامعه می‌پردازند تا آن حد که توانایش را در به چالش کشاندن دولت از دست بدهد؛ دوم، با ایجاد و نهادینه کردن قواعد ایدئولوژیک و ذهنی در جامعه می‌کوشند تا از این طریق اکثریت بازیگران جامعه را به‌طور فعال یا منفعل حامی دولت و طرح‌هایش کند. در واقع عدم وجود گروه‌های اجتماعی و مدنی و نهادهای مرتبط با آنها، راه را برای اقتدار تام دولت باز می‌کند. با تمام این اقدامات، فرهنگ سیاسی ایستا نیست و می‌تواند با ظهور متغیرها و طی مراحل چهار دگرگونی و تحول شود از آن جمله می‌توان به وقوع انقلاب اطلاعاتی که در جهان رخ داده اشاره کرد؛ اطلاعاتی که دیگر محدود به کشور و قاره‌ی خاصی نیست و هر فرد در هر جایی از دنیا می‌تواند بدان دسترسی یابد. اولین نتیجه اطلاعات، آگاهی فرد از جهان پیرامون و نحوه‌ی زندگی شهروندان در دیگر نقاط جهان است. این آگاهی مقایسه و رقابت را ایجاد و در نتیجه باعث بالا رفتن سطح توقع فرد می‌شود. انتظاراتی که در صورت عدم تحقق؛ شهروند را بر آن می‌دارد که با شیوه‌های مختلف و یا حتی اعتراضات غیرمسلحانه آمیز بدان دست یابد. علاوه بر گسترش اطلاعات در دنیای امروزی، مسئله‌ی تغییر نسل به ویژه در جهان عرب تبدیل به عامل شتاب‌زا شده است.

نسل جوانی این سال‌ها بیشترین تعداد جمعیت مصر را به خود اختصاص داده تا جایی که میانگین سنی جامعه در هنگام انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۴ سال بوده که بالاترین سطح آشنایی را با فناوری‌های جدید ارتباطی داشتند و سعی داشت که آن را در جهت تحقق زندگی بهتر به کار گیرد. شبکه‌های مجازی در اینترنت بیشترین کمک را به مردم مصر در جهت اتحاد و اقدام مؤثر برای مقابله با حکومت مبارک را داشت، نکته مهم هنجارها و ارزش‌های سیاسی مردم مصر بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه است. آمار و اطلاعاتی که در مورد مشارکت شهروندان در تظاهرات ضد حکومت ذکر شده بیانگر آن است که معترضان اهدافی چون ریشه‌کن کردن فساد و رسیدن به عدالت را دنبال می‌کردند. جامعه؛ خواهان اصلاحات بود اما در عمل وقتی با عدم پاسخگویی رژیم مواجه شد راه‌حلی جز براندازی حکومت مبارک برای خود ندید؛ صرف برکناری یک دیکتاتور از قدرت نمی‌تواند تنها گام مؤثر در مسیر توسعه همه‌جانبه و فرهنگ سیاسی مدنی باشد، چنان‌که تجربه لیبی پس از قذافی چنین می‌گوید.

مصر همچون لیبی راهی سخت و طولانی برای پیشرفت دارد. انقلاب اطلاعاتی که در جهان

رخ داده در صورتی می‌تواند راه‌گشای چنین فرهنگ‌های شبه‌مدرن باشد که نظام سیاسی و ملت‌ها به‌عنوان دو عامل مهم دیگر راه‌حل‌های عملی و کاربردی را برای طی کردن مسیر و تحقق فرهنگ سیاسی دموکراتیک و مشارکتی ایجاد کنند.

تحولات ارتباطی؛ وزنه‌ای مؤثر در تغییر وضعیت سیاسی و فرهنگی کشوری چون مصر را بازی می‌کند و نمی‌توان منکر اثرگذاری آن شد، این عامل برای تغییر وضعیت کنونی مصر نیازمند ترکیب با متغیرهای اساسی دیگر است.

* نویسندگان از جناب آقای دکتر حسین ابراهیم‌نیا که پیش‌نویس مقاله را مطالعه کرد و نکات مهمی برای بهبود و ارتقای مباحث ارائه داد، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنند.



منابع

الف) فارسی

- آقای، سیدداود. (۱۳۹۰). «واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، تابستان. شماره ۴.
- ابراهیم‌نیا، حسین. عروجی، منیره. (۱۳۹۰). «شبکه‌های مجازی در عصر جهانی‌شدن؛ بررسی تحولات اخیر خاورمیانه عربی»، همایش بین‌المللی هویت اسلامی و جهانی‌شدن، تهران: موسسه مطالعات ملی دانشگاه و دانشگاه تربیت مدرس، بهمن‌ماه.
- ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۹۰). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان. شماره ۵۲.
- احمدیان، حسن. (۱۳۹۰). «گذار مصر از رژیم اقتدارگرا، عوامل و زمینه‌ها»، فصلنامه روابط خارجی، زمستان. شماره ۴.
- اینگل هارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۶). «چارچوبی مفهومی برای فهم تحولات سیاسی مصر»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، بهار و تابستان، شماره ۲۲.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۸۸). دولت، نخبگان و توسعه در خاورمیانه، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- شرابی، هشام. (۱۳۸۰). پدربسالاری جدید، نظریه‌ای درباره تغییرات تحریف‌شده در جامعه عرب، ترجمه سیداحمد موثقی، تهران: کویر.
- قالیباف خراسانی، محمد. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- قیصری، نورالله. (۱۳۸۸). نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران قاجار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کیل، ژیل. (۱۳۷۹). «فراز و فرود اسلام سیاسی در مصاحبه با ژیل کیل»، فصلنامه گفتگو، پاییز، شماره ۲۹.
- معمار، ثریا و دیگران. (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، زمستان. شماره ۴.
- مقدس، محمود. اکوانی، سیدمحمدالله. (۱۳۹۱). «انقلاب مصر؛ برآیند نظام الیگارشیک و توسعه‌نیافتگی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، زمستان، شماره ۷۱.

- نبوی، سید عبدالامیر. (۱۳۹۰). «اسلام‌گرایی و تغییر نسل (بررسی تجربه مصر)»، فصلنامه *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، بهار. شماره ۲۵.
- نبوی، سید عبدالامیر. مصلح، پریسا. (۱۳۹۱). «احزاب و آینده دموکراسی در مصر»، فصلنامه *مطالعات خاورمیانه*، زمستان، شماره ۷۱.
- واعظی، محمود. (۱۳۹۱). *بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه*، نظریه‌ها و روندها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

(ب) انگلیسی

- African Development Bank, (2007-2011), "Arab Republic of Egypt 2007-2011", Country Strategy Paper, Available at: www.afdb.org.
- Almond, G. & Verba, S., (1963), *The Civic Culture; Political Attitudes and Democracy Five Nations*, SAGE Publications.
- Almond, G., (1956), "Comparative Political System", *Journal of Politics*, No. 18, August.
- Arafat, Alaa Al-Din, (2009), *Hosni Mubarak and the Future of Democracy*, London, Palgrave Macmillan.
- Bayat, Asef, (2009), *Life as Politics, How Ordinary People Change the Middle East*, Stanford University Press.
- Bhuiyan, Serajul I., (2011), "Social Media and Its Effectiveness in the Political Reform Movement in Egypt," *Middle East Media Educator*, 1 (1), 2011, 14-20, Available at: <http://ro.uow.edu.au/meme/vol1/iss1/3>.
- Blaydes, Lisa, (2013), *Elections and Distributive Politics in Mubarak's Egypt*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Blaydes, Lisa, (2014), "Social Capital and Dispute Resolution in Informal Areas of Cairo and Istanbul", *Springer Science and Business Media*, New York, Available at: web.stanford.edu.
- Dalton, Russell J. and Welzel, Christian, (2014), "Political Culture and Value Change", Available at: www.socsci.uci.edu. (۱۳۹۴/۴/۲۰).
- Document of the European Bank for Reconstruction and Development, (2012), "Egypt Country Assessment", as Approved by the Board of Directors at its Meeting of 31 October, Available at: www.ebrd.com. (۱۳۹۴/۵/۳۰).

- Eltantawy, Nahed and Julie B. Wiest., (2011), "Social Media in the Egyptian Revolution: Reconsidering Resource Mobilization Theory", *High Point University International Journal of Communication* 5, 8036/2011FEA1207.
- Erle, Jakob and et. Al., (2012), "Political Culture in Egypt: The Political Values and Norms of the Voters", the Danish-Egyptian Dialogue Institute; Al-Ahram Center for Political & Strategical Studies.
- Filiu, Jaen-Pierre, (2011), *The Arab Revolution*, London, Hurst Company.
- Gasiorowski, M., (2013), *The Government and Politics Middle East and North Africa*, London, Westview Press.
- International Business Publications, (2010), "Arab League (League of Arab States) Investment and Business Guide", USA: Intl Business Pubns USA (March 20).
- International Rehabilitation Council for Torture, (2006), Country Assessment Report the Arab Republic of Egypt, Available at: www.irct.org.
- Korany, Bahgat, (1998), "Restricted Democratization from Above: Egypt" in *Political Liberalization and Democratization in the Arab World*, Edited by Bahgat Korany, Rex Brynen and Paul Noble, Boulder: Lynne Rienner, Vol. 2.
- Munoz, Gema Martin, (2000), "Arab Youth Today: The Generation Gap, Identity Crisis and Democratic Dificit" in *Alienation or Intergration of Arab Youth; Between Family, State and Street*, Edited by Roel Mijer, Surrey, Curzon Press.
- Norris, Pippa and Inglehart, Ronald, (2004), *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*, Cambridge, Cambridge University Press.
- O'Donnell, Guillermo, (1992), "Transitions, Continuities and Paradoxes" in *Issues in Democratic Consolidation: The New South American Democracies in Comparative Perspective*, Edited by Scott Mainwaring, Guillermo O'Donnell and Samuel Valenzuela, Notre Dame: University of Notre Dame.
- Puddephatt, Andrew, (2012), *Corruption in Egypt*, London, Global Partners and Associates.
- Salanova, Regina, (2012), *Social Media and Political Change: The Ccase of the 2011 Revolutionsin Tunisia and Egypt*, Barcelona, Institute Catala International Per la Pau.
- Storck, Madeline, (2011), "The Role of Social Media in Political Mobilization: a Case Study of the January 2011 Egyptian Uprising", at the University of St. Andrews, Scotland, Available at: www.culturaldiplomacy.org.

(۱۳۹۳/۱۲/۱۰)

- Verba, Sideny, (1965), "Compative Political Culture", in *Political Culture and Political Development*, Lucian W. Pye and S. Verba (Eds.), Princeton, Princeton University press.

- Transparency International, (2010), *Corruption Perceptions Index 2010 Results*, [online] http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi/2010/results (9/03/2012)

<http://www.unicef.org>

<http://www.internetworldstats.com/africa.htm>

<http://www.egyptindependent.com>, IWS&Africa Telecom

<http://www.StrategicStudiesInstitute.army.mil>

<http://www.nytimes.com/2012/02/19/books/review/how-an-egyptian-revolution-began-on-facebook.html>?

- <http://www.businessinsider.com>

